

## فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز و علل اجتماعی آن

طیبه علی‌اصغرپور ممقانی<sup>۱</sup>

مهرداد نوابخش<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۹۷/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۰۴

### چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز به چه صورت بوده و چه عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر این فرآیند وجود دارد؛ که بر مبنای دیدگاه‌های تلفیقی خرد و کلان در تحلیل و تبیین تصمیم‌گیری در رفتارهای سیاسی و نقش علل اجتماعی از جمله اعتماد، تعلق، امنیت و بی‌هنجاری و بی‌قدرتی اجتماعی در آن استفاده شد. روش پژوهش پیمایش و ابزار تحقیق پرسش‌نامه بود که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای نمونه‌های آماری انتخاب شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز متأثر از عوامل اجتماعی است که در تحقیق حاضر، رابطه و تأثیر معنی‌داری اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی، بی‌قدرتی اجتماعی، تعلق اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان تبریز مشاهده و تأیید شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که علل اجتماعی از جمله احساس بی‌قدرتی و احساس تعلق اجتماعی بیش‌ترین نقش و تأثیر را بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز دارد. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت شهروندانی که در فرآیند تصمیم‌گیری رفتار سیاسی متأثر از امنیت و اعتماد موجود در جامعه بهره‌مند باشند، احساس تعلق اجتماعی آنان تقویت‌شده و احساس بی‌قدرتی اجتماعی نمی‌کنند و در نتیجه با احساس تعلق نسبت به ارزش‌های سیاسی در سرنوشت و امور جامعه نقش به‌سزایی خواهند داشت.

**واژگان کلیدی:** رفتار سیاسی، فرآیند تصمیم‌گیری، شهروندان، شهر تبریز.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

#### مقدمه

بی‌شک تحقق توسعه و به عبارتی توسعه اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر دانایی بدون ایجاد زمینه‌های لازم برای فراهم آوردن فرصت‌های قابلیت‌زا برای عموم شهروندان امکان‌پذیر نیست. محور این توسعه اجتماعی و اقتصادی انسان آگاه، خلاق و دانا است و سرمایه‌های انسانی در این توسعه نقشی بی‌بدیل و محوری دارند و به همین دلیل است که صاحب‌نظران، انسان را به‌عنوان محور توسعه معرفی می‌کنند. از سویی دیگر سیاست را به هر معنایی که در نظر بگیریم، اعم از تخصص و توزیع منابع کمیاب، حل‌وفصل و مدیریت منازعات عمومی و جمعی یا بسیج نیرو و کسب و حفظ قدرت یا هر تعریف دیگر، نهایتاً می‌توان تبلور آن را در تصمیم‌گیری مشاهده کرد که نقش آن در امر توسعه بی‌بدیل است، به تعبیری تصمیم آن‌چنان که تعریف شده است، «برون داد» نظام سیاسی است. فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار و مشارکت سیاسی متأثر از عواملی است که می‌تواند در دودسته فردی و اجتماعی جای گیرد. با عنایت به اینکه رفتار سیاسی هم در حالت مطلوب و مثبت آن و هم در شکل خشونت‌آمیز و منفی آن تأثیرپذیر از کنش‌های درونی و بیرونی ما هستند، بنابراین در این پژوهش سعی شده پس از شناسایی این عوامل که از جنس اجتماعی هستند به تأثیر هر یک از آن‌ها بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز بپردازیم. رفتار سیاسی به هرگونه مشارکت و درگیر شدن فردی و جمعی در فرایند سیاسی یا هر فعالیتی اطلاق می‌شود که در ارتباط با حکومت یا سیاست، پیامد سیاسی داشته باشد. این تعریف فراگیر، هم مشارکت مشروع سیاسی هم چون رأی دادن در انتخابات، فعالیت در گروه‌هایی که اهداف و منافع خاص را دنبال می‌کنند و جنبش‌های اجتماعی و هم فعالیت‌های سیاسی نامشروع یا غیرقانونی، هم چون کودتا، تروریسم و انقلاب‌ها را در برمی‌گیرد (حیدری، ۱۳۸۷: ۱۶). رفتارهای سیاسی متکی بر موقعیت و وضعیت و شرایطی هستند که می‌توانند کارگزاران سیاسی را به سوی اهدافی خاص سوق دهند. از این رو تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی به اتکای شناخت بینشی و روشی حوزه وسیعی از عناصر ذهنی و عینی حاکم بر مناسبات اجتماعی را قابل دریافت می‌نماید. رفتار سیاسی از این جهت که شامل مشارکت سیاسی است، می‌تواند نمونه‌های آن را نیز دربر بگیرد (Millbrath, 1981: 201).

تجزیه و تحلیل رفتار سیاسی، رفتار فردی اشخاص را در معنای وسیع ذهنی در نظر می‌گیرد، به نحوی که نه تنها اعمال او، بلکه جهت‌گیری‌ها، درخواست‌ها، انتظارات و ارزیابی‌های او به‌عنوان یک داده تجربی، تجزیه و تحلیل می‌شوند. بلکه چارچوبی از «خواسته‌ها» به وجود می‌آورد که بین علوم رفتاری - به‌ویژه انسان‌شناسی و روان‌شناسی - و جامعه‌شناسی مشترک است. از آنجاکه رفتار سیاسی آدمی، تنها جنبه‌ای از رفتار کلی او به‌عنوان یک موجود اجتماعی است، تحلیل رفتار سیاسی باید مبتنی بر «نظم متقابل علوم رفتاری» باشد و این تحلیل نمی‌تواند از زمینه گسترده‌تری که عمل سیاسی در آن رخ می‌دهد، غفلت کند. بنابراین هر تحلیل، باید آثار و عوامل اجتماعی، فرهنگی و شخصی تأثیرگذار بر رفتار سیاسی را در نظر بگیرد. با توجه به توضیحات داده‌شده در ارتباط با رفتار سیاسی مهم‌ترین

## فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز و علل اجتماعی آن

مصادق مربوط به آن رأی‌دهی و صحنه انتخابات است که هر دو جنبش به‌صورت مساوی و اگرچه با شرایط از پیش تعیین‌شده متفاوت در آن شرکت می‌جویند. امروزه مشارکت سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم که گذار از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند به شکلی حساس‌تر خود را نشان می‌دهد. دولت‌ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن در دهند. از منظر دینی، مشارکت سیاسی فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف حتمی و ضروری و ارزشی مطلوب برای دانشجویان و عموم جامعه است. از این‌رو فعالیت‌های سیاسی نقش به‌سزایی در توسعه و نوسازی هر کشوری دارد. با درک اهمیت رفتارهایی که به فعالیت‌های سیاسی منجر می‌شود، هر کشوری باید تلاش کند که موانع موجود را مرتفع ساخته تا زمینه‌های دستیابی به رشد و شکوفایی جامعه در همه عرصه‌ها فراهم شود. شهروندان با حضور چشمگیر در عرصه‌های سیاسی در بعد مثبت آن می‌توانند سهمی تعیین‌کننده در ساختار تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی ایفاء کنند؛ اما همه این امور و موفقیت‌ها میسر نخواهند بود الا با شناخت عوامل مؤثر بر میزان و کیفیت رفتار سیاسی در سطوح مختلف و از آنجاکه در طی چندین سال پس از پیروزی انقلاب شاهد فراز و نشیب‌هایی در میزان مشارکت سیاسی مردم در عرصه‌های سیاسی بخصوص صحنه‌های انتخاباتی بوده‌ایم، باید تبعات و آثار این کشوقوس‌ها را هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی درک نماییم. چراکه با توجه به وضعیت منطقه و نابسامانی‌های موجود ممکن است تأثیر تبعات منفی رفتار سیاسی بیش‌تر تجلی پیدا کند. شهروندان که در فرآیند تصمیم‌گیری رفتار سیاسی متأثر از امنیت و اعتماد موجود در جامعه بهره‌مند باشند احساس بی‌قدرتی ننموده و در نتیجه با احساس تعلق نسبت به ارزش‌های سیاسی در تربیت فرزندان مسئول در جامعه نقش بسزایی خواهند داشت. در این میان اگر بستر طوری برای شهروندان فراهم شود که به‌طور مساوی در امور سیاسی مشارکت داشته باشند چه بسا وحدت و همبستگی در جامعه بیشتر شود و دشمنی را توان طمع‌ی به این مرزوبوم اسلامی نباشد. به همین منظور در این تحقیق متغیرهای در نظر گرفته‌شده‌اند که هم از نظر احساسی و هم از نظر رفتاری بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی افراد تأثیرگذار است. این متغیرها عبارت‌اند از اعتماد اجتماعی، بی‌هنجاری، تعلق اجتماعی، بی‌قدرتی اجتماعی و امنیت اجتماعی. با این اوصاف مسئله اصلی در این پژوهش از این قرار است که عوامل اجتماعی تا چه اندازه بر فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز مؤثرند؟ در راستای مسئله مورد اشاره هدف اصلی تحقیق بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز است که سعی شده تأثیر عوامل اجتماعی از جمله اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، بی‌قدرتی اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی و تعلق اجتماعی در فرآیند تصمیم‌گیری بر رفتارهای سیاسی بررسی شود. در حوزه مبانی نظری نیز می‌توان گفت هرگونه تصمیم‌گیری تحت تأثیر عوامل گوناگونی است. تصمیم‌گیری تحت تأثیر تعدادی از عوامل است، از جمله: ۱- عوامل عقلایی؛ منظور، عوامل

قابل اندازه‌گیری از قبیل هزینه، زمان، پیش‌بینی‌ها و غیره است. یک تمایل عمومی وجود بیش‌تر به این عوامل پرداخته و عوامل غیر کمی را زیاد ببریم. ۲- عوامل روان‌شناختی: مشارکت انسان در پدیده تصمیم‌گیری روشن است. عواملی از قبیل شخصیت تصمیم‌گیر، توانایی‌های او، تجربیات، درک ارزش‌ها، آمال و نقش او از جمله عوامل مهم در تصمیم‌گیری می‌باشند. ۳- عوامل اجتماعی: موافقت دیگران به‌خصوص کسانی که تصمیم به‌نوعی بر آنان تأثیر می‌گذارد، از مسائل مهم در تصمیم‌گیری است. توجه به این عوامل از مقاومت دیگران در برابر تصمیم می‌کاهد. ۴- عوامل فرهنگی: محیط دارای لایه‌های فرهنگی متعددی است که به نام فرهنگ منطقه، فرهنگ کشور و فرهنگ جهانی خوانده می‌شود. همچنین فرهنگ خودسازمان نیز باید مطرح نظر قرار گیرد. این فرهنگ‌ها بر تصمیم فردی و یا سازمانی ما در قالب هنجارهای موردقبول جامعه، رویه‌ها و ارزش‌ها تأثیر می‌گذارند (سینایی، ۱۳۹۲). ولی سهم هر یک از این عوامل بستگی به زمینه موضوعی دارد که درباره آن تصمیم گرفته می‌شود. برای نمونه در امور فنی و اقتصادی سهم عقلانیت ابزاری در تصمیم‌گیری قابل‌مقایسه با امور هنری نیست و همین تفاوت‌ها زمینه تعارض را فراهم می‌کند و در مورد ایران تصمیم‌گیری سیاسی متأثر از همین تعارض بوده است. تحلیل دانیل بل از تعارض تضادهای ساختاری مرتبط با جامعه صنعتی و قواعد و اصول حاکم بر حوزه‌های گوناگون آن به همین موضوع مربوط است. به تشخیص وی سه حوزه متفاوت این جامعه هر کدام از اصل محوری و متفاوت و خاص خود پیروی می‌کنند: حوزه فنی - اقتصادی، حوزه حکومتی و حوزه فرهنگی (عبدی، ۱۳۹۳).

می‌توان گفت که رفتار سیاسی با قصد و اراده قبلی یعنی ذهنی همراه است و از این لحاظ با تصمیم‌گیری‌های فرد ارتباط پیدا می‌کند و اگر از تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی صحبت می‌شود تصمیم‌گیری را هم به‌عنوان یک کنش ذهنی و هم کنش عینی می‌توان در نظر گرفت، چراکه ممکن است بعضی از تصمیم‌گیری‌ها به عمل تبدیل نگردند. از سوی دیگر رفتار سیاسی از این جهت که شامل مشارکت سیاسی است؛ می‌تواند نمودهای آن را نیز در بر بگیرد. در صورتی که مشارکت سیاسی در معنای رفتاری که اثر می‌گذارد و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد، به کار گرفته شود. با این توصیف در ادامه از مفهوم رفتار سیاسی و مشارکت سیاسی صحبت به عمل می‌آید.

رفتار سیاسی هم‌زمان یک رویکرد، یک چالش و یک ترتیبی برای حرکات اصلاحی، یک نوع از تحقیق و یک واژه تحریک‌کننده و فعال‌کننده است. در حقیقت ابهام زیادی در مورد کاربرد رفتار سیاسی وجود دارد. این واژه به‌اندازه کافی برای سروکار داشتن انواع گوناگونی از مردم کافی است. این واژه به‌عنوان یک واژه کلی و چتر مانند در مورد علم سیاسی رفتار می‌کند اما اتحاد ظاهری با کاربرد این واژه از بین می‌رود. برای بررسی دامنه متنوع تمایلات و ترتیب آن باید مطالعات و تحقیقات زیادی صورت گیرند (Prod, 1958: 42). با توصیفات مذکور می‌توان رفتار سیاسی را در دو شکل مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز مطالعه کرد. ۱- رفتار سیاسی مسالمت‌آمیز: که عبارت است از پیکاری مسالمت‌آمیز و صلح

## فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز و علل اجتماعی آن

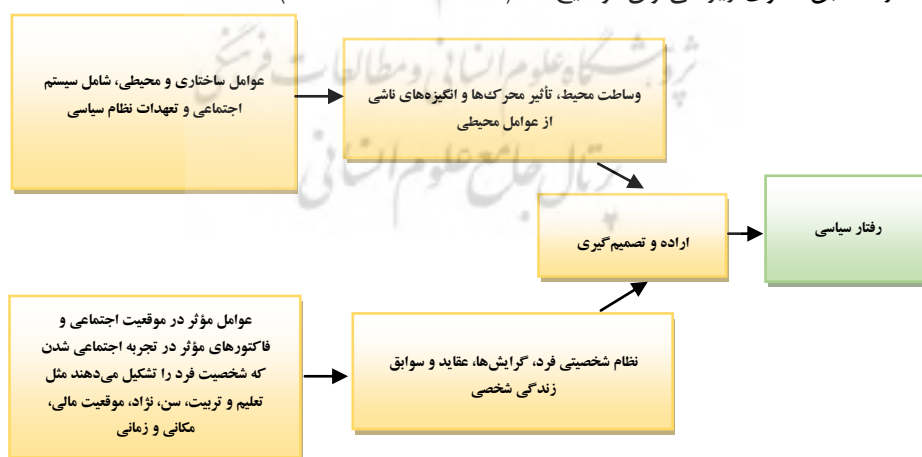
جویان برای رسیدن به قدرت در چارچوب قانونی که با کمترین خشونت همراه خواهد بود، شاخص‌ها و نموده‌های این رفتار شامل رأی دادن، فعالیت تشکیلاتی یا فردی برای نامزدهای انتخاباتی، برگزاری راهپیمایی‌ها، تظاهرات و اجتماعات است. این‌گونه رفتارها می‌تواند، در قالب توده‌ای (غیر تشکیلاتی و غیر منسجم) و حزبی و گروهی (تشکیلاتی و منسجم) ظاهر شوند. رفتار سیاسی مسالمت‌آمیز تنها در جهت حمایت از دولت نیست، بلکه بسیاری از حرکت‌ها و رفتارها می‌تواند علیه دولت حاکم باشد. ۲- رفتار سیاسی خشونت‌آمیز: که همان مبارزه پنهانی و مسلحانه با ابزار غیرقانونی است. این نوع رفتار، منجر به خشونت سیاسی می‌گردد؛ که بر اساس تعریف گار شامل تمامی حملات جمعی علیه رژیم سیاسی، بازیگران و یا سیاست‌هایش می‌شود. از شاخص‌های این رفتار می‌توان به تجمع و تشکل مخفی، تظاهرات خشونت‌آمیز همراه با غارت و آتش زدن، مبارزه چریکی، شورش و عملیات مسلحانه اشاره کرد. در ارتباط با رفتار خشونت‌آمیز، هانا آرنهت می‌گوید:

«خشونت به سبب ماهیت ابزاری آن تا جایی معقول است که برای رسیدن به هدفی که باید استفاده از خشونت را توجیه کند؛ مؤثر باشد. چون هنگامی که کاری را شروع می‌کنیم؛ هرگز به یقین نتیجه نهایی آن را نمی‌دانیم؛ بنابراین خشونت تنها به شرطی معقول است که در تعقیب هدف‌های کوتاه‌مدت به کار رود. خشونت به انجام امور بزرگ کمکی نمی‌کند؛ خواه تاریخ باشد، خواه انقلاب، خواه پیشرفت باشد یا ارتجاع، اما می‌تواند ناخرسندی‌ها را چشم‌گیر سازد و توجه عامه را بدان جلب کند. تاکتیک‌های اعمال خشونت و اخلال‌گری، ممکن است برای رسیدن به هدف‌های کوتاه‌مدت سودمند باشد؛ بنابراین احتمال مؤثر افتادن خشونت برای دستیابی به اهداف درازمدت مانند ایجاد دگرگونی بنیانی، ضعیف‌تر است» (آرنهت، ۱۳۵۹).

در بحث رفتار سیاسی خشونت‌آمیز همواره این سؤال مطرح است که ریشه خشونت سیاسی در چیست؟ و چه عواملی موجب پیدایش رفتار خشونت‌آمیز سیاسی می‌گردند؟ در پاسخ به این سؤال‌ها دو نظریه وجود دارد. یکی، نظریه روان‌شناسانه است که منشأ بروز خشونت را علل روان‌شناختی در افراد و انگیزه درونی رفتار افراد و گروه‌ها می‌داند و دیگری، نظریه ساختارگرایان که منشأ بروز خشونت را ساختار نظام سیاسی و میزان نهادینگی آن، می‌داند. هیپس در این خصوص می‌گوید: «نهادینه کردن موجب کاهش احتمال خشونت به‌طور عام و همچنین جنگ چریکی می‌شود و بر عکس، عدم نهادینه کردن موجب افزایش احتمال هر دو می‌گردد» (Sanders, 1981). هانتینگتون نیز در دفاع از نظریه ساختارگرایی، عامل اصلی گرایش به خشونت سیاسی را در ساختار سیاسی جامعه می‌یابد و بر عدم تعادل تقاضاهای مشارکت سیاسی و نهادمندی ساختار حکومتی تأکید دارد. وی می‌گوید: «گروه‌های نوپدید برای رسیدن به اهدافشان، به جستجوی روش‌ها و وسایل مشارکت می‌پردازند و اگر این راه‌ها و وسایل در دسترس آن‌ها نباشد؛ دچار احساس ناکامی می‌گردند و درصدد آن برمی‌آیند؛ که درخواست‌های خود را از نظام سیاسی، با خشونت، زور و توسل به وسایل نامشروع دیگر مطالبه کنند. نظام سیاسی یا از

خودسازگاری نشان می‌دهد و ابزار لازم برای برآورده ساختن درخواست‌های آنان را فراهم می‌کند و یا آن که درصدد سرکوب آن‌ها برمی‌آید و در نتیجه، آن‌ها نیز به شیوه براندازی و انقلابی روی می‌آورند» (هانگتینتون، ۱۳۹۲).

گرایش به خشونت در گروه‌ها و احزاب، گاهی به شکل غیرعلنی و مسلحانه ظهور می‌کند. موریس دوورژه در این رابطه معتقد است: «هنگامی که صنف مخالف وسایل دیگری ندارد و از هر امکان دیگری برای بیان عقاید خود محروم است و یا بیان قانونی آن را مؤثر نمی‌داند، پیکارهای سیاسی، شکل نظامی به خود می‌گیرند. در این هنگام، مقاومت مسلحانه در برابر قدرت در دو مرحله جریان می‌یابد؛ مرحله مقاومت زیرزمینی و مرحله طغیان آشکار» (دوورژه، ۱۳۶۹: ۲۰۹). گذشته از انواع رفتارهای سیاسی در تحلیل و تبیین این رفتارها می‌توان ریشه‌های رفتار سیاسی افراد یک جامعه را در دو مقوله دسته‌بندی نمود: عوامل شخصیتی و عوامل محیطی (Milbrath, 1981: 320). عوامل شخصیتی شامل پنج دسته هستند که عبارت‌اند از: عوامل موروثی، نیازها و خواسته‌های شخصی، نیازها و سائقه‌های طبیعی و روانی، عقاید و گرایش‌ها یا رهیافت‌ها (Ibid). این عوامل تأثیر مستقیم بر رفتار سیاسی دارند؛ اما عوامل محیطی، برعکس، به‌طور غیرمستقیم و از طریق شخصیت فرد اثر می‌گذارند. عوامل محیطی، به‌تدریج و باگذشت زمان، از طریق شکل دادن به شخصیت و نظام اعتقادی فعالان سیاسی ایفای نقش می‌کنند. در این تحلیل، هیچ‌کدام از عوامل محیطی یا شخصیتی استقلال ندارند؛ درعین‌حال که محیط به وساطت شخصیت در رفتار سیاسی فرد تأثیر می‌گذارد، عوامل شخصیتی نیز تعیین‌کنندگی قاطعی ندارند، بلکه در محدوده شرایط و امکانات محیطی شکل گرفته در چارچوب ساختار آداب‌ورسوم فرهنگ و اجتماع جهت می‌یابند. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۳۹). تأثیر برگ خریدهای محیطی و شخصیتی بر رفتار سیاسی افراد یک جامعه را مطابق الگوی زیر می‌توان توضیح داد (Nelson, 1987: 33).



نمودار (۱): عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی

## فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز و علل اجتماعی آن

رفتارهای سیاسی متکی بر موقعیت و وضعیت و شرایطی می‌باشند که می‌توانند کارگزاران سیاسی را به سوی اهدافی خاص سوق دهند. از این رو تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی به اتکای شناخت بینشی و روشی حوزه وسیعی از عناصر ذهنی و عینی حاکم بر مناسبات اجتماعی را قابل دریافت می‌نماید. بر همین اساس چارچوب نظری تحقیق متکی بر این موضوع است که کنش انسانی خالی از وجه معنا و ارزش و جهت‌گیری نیست. عقاید انسان به هر صورت دارای منطق و نیرو و تاریخ درونی خاصی خود است صرف نظر از اینکه چه رابطه‌ای با فرآیند عقلانیت و یا با علایق مادی داشته باشد بر زندگی اجتماعی او تأثیر می‌گذارد. مشارکت سیاسی شکلی از رفتار سیاسی شهروندان یک ملت است که در دو بعد مثبت یا منفی ظهور و بروز پیدا می‌کند و هر حالت اجزای متعددی دارد. رفتار سیاسی از این جهت که شامل مشارکت سیاسی است، می‌تواند نمودهای آن را نیز در بر بگیرد. رفتار سیاسی نیز با قصد و اراده قبلی یعنی ذهنی همراه است و از این لحاظ با تصمیم‌گیری‌های فرد ارتباط پدید می‌آید و اگر از تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی صحبت می‌شود تصمیم‌گیری را هم به عنوان یک کنش ذهنی وهم کنش عینی می‌توان در نظر گرفت، چراکه ممکن است بعضی از تصمیم‌گیری‌ها به عمل تبدیل نگردند. از سوی دیگر رفتار سیاسی از این جهت که شامل مشارکت سیاسی است؛ می‌تواند نمودهای آن را نیز در بر بگیرد. در صورتی که مشارکت سیاسی در معنای رفتاری که اثر می‌گذارد و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد، به کار گرفته شود. با این توصیف در ادامه از مفهوم رفتار سیاسی و مشارکت سیاسی صحبت به عمل می‌آید.

برای تبیین تفاوت میان افراد از نظر میزان تمایل به مشارکت یا مشارکت‌پذیری دودسته نظریه مطرح گردیده است: دسته اول نظریه‌ها منشأ وبری دارند و در آن‌ها بر نظام باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها تأکید می‌شود. در این نظریه‌ها که غالباً به صورت تجربی و بیش‌تر در حوزه روانشناسی اجتماعی مطرح شده است، متغیر بی‌قدرتی را به عنوان مهم‌ترین عامل مورد توجه قرار داده است. دسته دوم نظریه‌ها بر جنبه رفتاری تأکید دارد و رفتار را بیش از آن که حاصل باورها و گرایش‌ها بدانند، نتیجه تفاوت سود و زیان تصور می‌کنند. مفروض اصلی این دیدگاه آن است که یک رفتار زمانی شکل می‌گیرد، تثبیت می‌شود و نهایتاً جنبه نهادی می‌یابد که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی گیرد. به همین دلیل، مشارکت، هنگامی گسترش می‌یابد که منافع عینی آن (تصور فرد نسبت به منافع آن) بیش از هزینه‌های (تصور ذهنی فرد نسبت به هزینه‌ها) آن باشد.

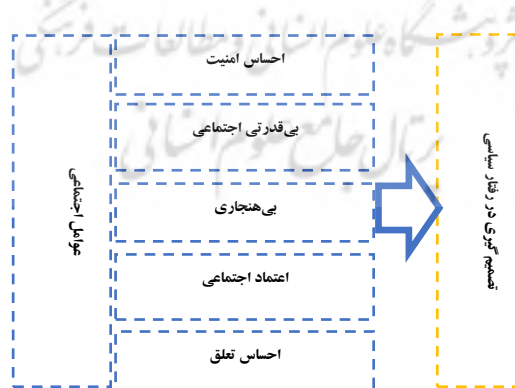
جدول (۱): توزیع چارچوب نظری پژوهش بر مبنای متغیرها

متغیرها	تطبيق ایده با واقعیت	ایده
تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی مستقل	تصمیم فرد در رفتار سیاسی متأثر از عوامل فردی و محیطی بسیاری است که می‌تواند به مشارکت سیاسی او بیفزاید و یا موجب کاهش مشارکت سیاسی او گردد.	رفتار سیاسی عبارت است از بینکاری مسالمت آمیز و صلح‌جویانه برای رسیدن به قدرت در چارچوب قانونی که با کمترین خشونت همراه خواهد بود. شاخص‌ها و نمودهای این رفتار شامل رای دادن، فعالیت تشکیلاتی یا فردی برای نامزدی‌های انتخاباتی، برگزاری راهپیمایی‌ها، تظاهرات و اجتماعات می‌باشد. این گونه رفتارها می‌تواند، در قالب توده‌ای (غیر تشکیلاتی و غیرمنسجم) و حزبی و گروهی (تشکیلاتی و منسجم) ظاهر شوند.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و یکم، تابستان ۱۳۹۸

اعتماد اجتماعی (مستقل) و تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی	با توجه به مصاحبه صورت گرفته به نظر می‌رسد که شرایط برای اعتماد در سطح پایین‌تر و فرد بیشتر از اعتماد در سطح نهادی است زنان ترجیح می‌دهند در گروه کوچک دوفره جای گرفته نظرات خود را به یکدیگر بیان دارند. بدین سان هر چه جمع گسترده‌تر می‌گردد. شمع اعتماد کمتر می‌شود.	از نظر گیدنز اعتماد به صورتی بلاواسطه با مفهوم ساختار و نهاد از یک سو و خصالت جامعه مدرن از سوی دیگر مرتبط است. ویژگی تکرارپذیری و تداوم همان عناصری هستند که گیدنز در تعریف اعتماد نیز آن‌ها را به کار می‌گیرد. در دیدگاه گیدنز اعتماد انتظار بر آورده شدن چشمداشت‌ها در مورد رویدادهای احتمالی است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷).
بی‌هنجاری متغیر مستقل و تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی	پرهیز از شرکت مرتب در جلسات گروه‌ها و احزاب و انجمن‌های سیاسی و دوری از خواسته‌هایی که مبنای جمعی دارند. و یا حتی بی‌علاقگی به حضور در جلسات سیاسی موجب شده است تا انسجام لازم میان آن‌ها دیده نشود. مرد می‌باشد.	مفهوم آنومی در معنی جداگانه و در عین حال بهم بسته به کار رفته است؛ اولاً به مفهوم نوعی ناسامانی فردی که موجب سرگشتگی انسان و نبود قانون و دستور العمل رفتار برای وی می‌شود. ثانیاً به مفهوم وضعیت اجتماعی که در آن قواعد رفتار اجتماعی با یکدیگر در ستیز بوده و فرد برای انطباق با این قواعد و متابعت از آن‌ها دچار پریشانی می‌شود. ثالثاً اشاره به وضعیتی اجتماعی دارد که در آن بین فرد و برخی هنجارهای اجتماعی و قواعد رفتار تضاد و ستیز است (محسنی تیریزی، ۱۳۷۳: ۱۳۵).
بی‌قدرتی متغیر مستقل و تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی	بی‌توجه نسبت به امورات سیاسی، و اینکه فرد احساس کند تصمیمات رفتار او در سرنوشت سیاسی جامعه مؤثر نخواهد بود. و یا دنیا را از آن قدرتمندان بدانند که او سهمی در آن نداشته باشد.	در روانشناسی اجتماعی بی‌قدرتی یک فرآیند و به عبارتی بهتر یک فرآیند یادگیری است؛ زیرا فرد در این فرآیند یاد می‌گیرد که هر فعالیتی محکوم به شکست است. هرگاه فرد در عرصه سیاسی یا اجتماعی احساس کند که تلاش‌هایش راه به جایی نمی‌برد، دست از تلاش برمی‌دارد (مسعودی، ۱۳۸۰: ۱۵۷).
امنیت اجتماعی متغیر مستقل و تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی	اینکه فرد احساس امنیت خوبی از مشارکت در رفتارهای سیاسی نداشته باشد و این امر در تصمیمات رفتاری او مؤثر واقع گردد. و موجب انزوای فرد شده و برای او خطراتی مادی و معنوی ایجاد کند.	امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (کالینز، ۲۰۰۲).
احساس تعلق اجتماعی متغیر مستقل و تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی	موجب حس مسولیت پذیری فرد می‌گردد هر چه این حس در دیگران تقویت گردد انسجام و همبستگی بیشتر شده و در نتیجه حضور او در صحنه‌های سیاسی بیشتر و قصد اراده سیاسی او توأم با تصمیمات عاقلانه‌ای خواهد بود.	آنجل انسجام به منزله تأکید بر مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی خواهد بود که اعضای یک گروه روی بدن دارند و این اهداف و ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات آن گروه دارند (بیرو، ۱۳۶۶: ۱۸۴).
جنسیت، تحصیلات متغیرهای مستقل و تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی متغیر وابسته	حضور ضعیف زنان در صحنه‌های سیاسی و یا برخورد تبعیض آمیز با زنان موجب مشارکت سیاسی کم آنان می‌شود. و در نتیجه تمایلی به تصمیم‌گیری‌های سیاسی نخواهند داشت	قوانین و سیاست‌های رسمی نظام‌های سیاسی، مصوبه‌های قانونی، ساختارهای و بیاپه‌های احزاب سیاسی نیز کلیشه‌های فرهنگی مؤید این نوع تقسیم کار سنتی را که زنان را تنها در مقام همسر و مادر و در قلمرو خانگی ترسیم می‌نمایند تقویت و تثبیت می‌کند (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۴۹۶).

در کل این پژوهش بر آنیم تا به مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار (اعتماد اجتماعی، بی‌هنجاری و بی‌قدرتی سیاسی، امنیت اجتماعی و تعلق اجتماعی) بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان تبریزی بپردازیم. چهارچوب نظری این مطالعه بر مبنای رویکردهای مشارکت سیاسی و رفتار سیاسی است و به صورت تلفیقی از نظریات صاحب‌نظران این حوزه‌ها استفاده شده است.



نمودار (۲): مدل مفهومی (دیاگرام علی) متغیرها



## فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز و علل اجتماعی آن

- با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار خواهند گرفت:
- ۱- به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است.
  - ۲- به نظر می‌رسد احساس امنیت اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است.
  - ۳- به نظر می‌رسد احساس تعلق اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است.
  - ۴- به نظر می‌رسد بی‌قدرتی اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است.
  - ۵- به نظر می‌رسد بی‌هنجاری اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است.

### روش

روش تحقیق پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه است و جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شهروندانی است که (در مدت زمان تحقیق) در بازه سنی ۶۴-۱۵ سالگی، در شهر تبریز سکونت دارند. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال، ۱۳۹۴ جامعه آماری مذکور در شهر تبریز برابر با ۱۱۷۳۹۱۶ نفر است که از این تعداد ۵۷۵۲۱۹ نفر زن و تعداد ۵۹۸۶۹۷ مرد هستند. تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و خوشه‌ای است. در ابتدا ۱۲ منطقه شهرداری از لحاظ جغرافیایی در سه خوشه (منطقه) مرکز، شمال و جنوب قرار گرفتند. سپس از بین هر خوشه یک شهرداری به تناسب جمعیت مورد نظر در بازه سنی (۶۴-۱۸) از میان زنان و مردان مجرد و متأهل تعداد نمونه تصادفی طبق جدول زیر انتخاب گردید، حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران به دست آمده است. به این ترتیب که پس از برآورد میزان واریانس متغیر وابسته در پیش‌آزمون و قرار دادن مقادیر در فرمول مورد نظر حجم نمونه به صورت تقریبی ۳۸۴ نفر برآورد گردید. پژوهش حاضر، به علت استاندارد بودن سؤالات پرسشنامه‌ها و طراحی گویه‌ها برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، فقط از چند نفر استاد و صاحب نظر در خصوص انتخاب نوع پرسشنامه نظرخواهی و طی آن با اعتبار صوری بالا، پرسشنامه تشکیل و تنظیم شد. همچنین برای محاسبه ضریب پایایی ابزار اندازه‌گیری، از روش معمول و متداول برای محاسبه هم‌هنگی درونی اندازه‌گیری، تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. جهت تعیین پایایی سؤالات هر متغیر، پس از تکمیل ۳۰ پرسشنامه توسط شهروندان شهر تبریز و انتقال داده‌ها به رایانه به‌طور تصادفی ضریب پایایی محاسبه‌شده از طریق سیستم نرم‌افزاری SPSS به شرح جدول زیر درآمدند.

جدول (۲): توزیع متغیرهای تحقیق و محاسبه پایایی متغیرها

متغیرها	نوع متغیر	تعداد سؤالات	شماره سؤالات	میزان پایایی
تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی	مستقل	۱۶	۲۰	
اعتماد اجتماعی	مستقل	۸	۲۱-۲۸	
امنیت اجتماعی	مستقل	۸	۲۹-۳۶	

بی قدرتی اجتماعی	مستقل	۸	۳۷-۴۴	٪۸۴
بی هنجاری اجتماعی	مستقل	۸	۴۵-۵۲	
احساس تعلق اجتماعی	مستقل	۸	۵۳-۶۰	

تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت و برای بررسی وجود روابط و نوع و شدت رابطه بین متغیرها، با توجه به سطوح سنجش هریک از متغیرها، آزمون‌های ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون و آزمون‌های F، T، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر به اجرا گذاشته شد.

### یافته‌ها

در ابتدا برای تعیین وضعیت پارامتریک و یا نا پارامتریک بودن متغیرها کلیه سؤالات یک متغیر با یکدیگر جمع شد تا داده‌ها کیفی به داده‌های کمی تبدیل شوند. سپس قبل از به کارگیری آزمون مناسب برای تعیین رابطه فرضیه‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف<sup>۳</sup> برای تعیین نرمال یا غیرنرمال بودن توزیع نمونه‌ها استفاده شد که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که از کدام ضریب همبستگی جهت تعیین رابطه باید استفاده کرد. یکی از فرض‌های مهم آزمون کولموگروف-اسمیرنوف از آزمون‌های پارامتریک نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق است. در تحلیل نتایج باید گفت چون آماره با مقادیر به دست آمده در همه متغیرهای مستقل در جدول ذیل در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۵ داده‌ها معنادار نیستند. یعنی توزیع داده‌ها نرمال نیست؛ اما از آنجا که مقدار به دست آمده در آزمون کولموگروف متغیر وابسته تحقیق بیش‌تر از سطح معنی‌داری قرار گرفته می‌توان فرض صفر را رد کرده و توزیع داده‌ها را نرمال فرض نمود. لذا بر اساس همین ویژگی متغیر وابسته و مستقل می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده نمود. با این ادعا طبق جدول زیر به تحلیل آزمون فرضیه‌ها پرداخته می‌شود.

جدول (۳): آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای توزیع نرمال بودن داده‌ها در نمونه آماری

متغیرها	N	Kolmogorov-Smirnov Z	Asymp. Sig. (2-tailed)
وابسته تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی	۳۸۴	۱/۲۴	۰/۰۹
مستقل میزان اعتماد اجتماعی		۱/۵۷	۰/۰۱۵
احساس امنیت اجتماعی		۱/۱۴	۰/۱۵
احساس بی قدرتی اجتماعی		۱/۱۱	۰/۱۷
احساس بی هنجاری اجتماعی		۱/۳۳	۰/۰۵۶
احساس تعلق اجتماعی		۱/۵۳	۰/۰۱۸

## فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز و علل اجتماعی آن

با توجه به داده‌های جدول فوق، متغیر وابسته (تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی) به‌عنوان اساس بررسی متغیرها با سطح معنی‌داری ۰/۰۹، احساس امنیت اجتماعی، احساس بی‌قدرتی اجتماعی و احساس بی‌هنجاری اجتماعی به دلیل سطح معنی‌داری بالای ۰/۰۵، جهت بررسی همبستگی متغیرها از آزمون آماری پیرسون استفاده می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون آماری همبستگی پیرسون

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی	رابطه یا عدم رابطه
اعتماد اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۹۸	رابطه معنی‌دار وجود دارد.
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۳۸۴	
امنیت اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۵۴	رابطه معنی‌دار وجود دارد.
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۳۸۴	
بی‌قدرتی اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۳۴۸	رابطه معنی‌دار وجود دارد.
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۳۸۴	
بی‌هنجاری اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۵۰۴	رابطه معنی‌دار وجود دارد.
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۳۸۴	
احساس تعلق اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۶۶	رابطه معنی‌دار وجود دارد.
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۳۸۴	

### فرضیه اول: به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است

بر اساس فرضیه‌ی آماری پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان اعتماد اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول شماره (۴) رابطه متغیر میزان اعتماد اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان اعتماد اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۹۸) می‌توان گفت که بین اعتماد اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و در حد متوسط وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان اعتماد اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیش‌تر شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد.

### **فرضیه دوم: به نظر می‌رسد امنیت اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است**

بر اساس فرضیه‌ی آماری پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان امنیت اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول شماره (۴) رابطه متغیر میزان امنیت اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان امنیت اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۵۴) می‌توان گفت که بین امنیت اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و در حد متوسط وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان امنیت اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیش‌تر شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد.

### **فرضیه سوم: به نظر می‌رسد احساس بی‌قدرتی اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است**

بر اساس فرضیه‌ی آماری پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان بی‌قدرتی اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول شماره (۴) رابطه متغیر میزان بی‌قدرتی اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان بی‌قدرتی اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (-۰/۳۴۸) می‌توان گفت که بین بی‌قدرتی اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی منفی و در حد متوسط وجود دارد (رابطه معکوس)؛ یعنی هرچه احساس بی‌قدرتی اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز تقویت شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی آنان روبه کاهش خواهد بود.

### **فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بی‌هنجاری اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است**

بر اساس فرضیه‌ی آماری پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان بی‌هنجاری اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از

## فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز و علل اجتماعی آن

آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول شماره (۴) رابطه متغیر میزان بی‌هنجاری اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان بی‌هنجاری اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (-۰/۵۰۴) می‌توان گفت که بین بی‌هنجاری اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی منفی و در حد متوسط به بالا وجود دارد (رابطه معکوس)؛ یعنی هر چه میزان بی‌هنجاری اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیش‌تر می‌شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی آنان نیز کاهش می‌یابد و بالعکس.

### فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد احساس تعلق اجتماعی بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی ساکنان شهر تبریز مؤثر است

بر اساس فرضیه‌ی آماری پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان احساس تعلق اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول شماره (۴) رابطه متغیر میزان احساس تعلق اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان احساس تعلق اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۶۶) می‌توان گفت که بین احساس تعلق اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و در حد متوسط وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیش‌تر شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد به مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان تبریزی بپردازیم که از جمله متغیرهایی که بررسی شد اعتماد اجتماعی، بی‌هنجاری و بی‌قدرتی سیاسی، امنیت اجتماعی و تعلق اجتماعی بود که بر مبنای چارچوب نظری این مطالعه مبتنی بر رویکردهای مشارکت سیاسی و رفتار سیاسی بود و به‌صورت تلفیقی از نظریات صاحب‌نظران این حوزه‌ها استفاده شد. در کل یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز متأثر از عوامل اجتماعی است که در تحقیق حاضر، رابطه اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی، بی‌قدرتی اجتماعی و تعلق اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان

تبریز تأیید شد و به عبارتی می‌توان گفت اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی، بی‌قدرتی اجتماعی و تعلق اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان تبریز رابطه معنی‌داری دارد و از آنجا که مفروضات تحقیق بر پایه نظریه‌های خاصی شکل گرفته بودند که پیشینه تجربی آن‌ها در دسترس هستند به‌منظور تطبیق نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش نظریه‌پردازان مذکور باید گفت که یافته‌های به‌دست‌آمده از این تحقیق با نتایج تحقیقات دی‌ال‌شت، ۱۹۷۹؛ لیپست، ۱۳۷۳؛ کفاشی و همکاران، ۱۳۸۹؛ صمدی‌راد، ۱۳۸۵ و زنجانی‌زاده، ۱۳۸۲ مطابقت دارد و باید افزود که نظریه‌های استفاده‌شده در این پژوهش، گیدنز (اعتماد اجتماعی) دورکیم (آنومی)، سیمن (احساس بی‌قدرتی)، امنیت اجتماعی بوزان، ابوت و والاس (نقش جنسیتی)، آنجل (احساس تعلق اجتماعی) و تأثیرشان بر رفتار سیاسی از طریق یافته‌های این پژوهش مورد تأیید واقع می‌شوند.

به‌صورت موردی می‌توان جزئیات رابطه معنی‌داری متغیرها را به شرح ذیل ارائه داد:

بر اساس فرضیه‌ی آماری اول پژوهش، انتظار بر این بود که میان اعتماد اجتماعی و تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده‌شده است. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان اعتماد اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۹۸) می‌توان گفت که بین اعتماد اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و در حد متوسط وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان اعتماد اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیش‌تر شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

بر اساس فرضیه‌ی آماری دوم پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان امنیت اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده‌شده است. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان امنیت اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۵۴) می‌توان گفت که بین امنیت اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و در حد متوسط وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان امنیت اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیش‌تر شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد.

در فرضیه‌ی آماری سوم پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان بی‌قدرتی اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده‌شده است. سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان بی‌قدرتی اجتماعی به‌عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی

## فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز و علل اجتماعی آن

شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون ( $-0/348$ ) می‌توان گفت که بین بی‌قدرتی اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی منفی و در حد متوسط وجود دارد (رابطه معکوس)؛ یعنی هرچه احساس بی‌قدرتی اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز تقویت شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی آنان روبه کاهش خواهد بود.

همچنین بر اساس فرضیه‌ی آماری چهارم پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان بی‌هنجاری اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معنی‌داری ( $0/000$ ) به دست آمده نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان بی‌هنجاری اجتماعی به عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون ( $-0/504$ ) می‌توان گفت که بین بی‌هنجاری اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی منفی و در حد متوسط به بالا وجود دارد (رابطه معکوس)؛ یعنی هر چه میزان بی‌هنجاری اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیشتر می‌شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی آنان نیز کاهش می‌یابد و بالعکس.

نهایت امر این که در فرضیه آماری پنجم پژوهش، انتظار بر این بود که میان میزان احساس تعلق اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز رابطه وجود دارد. برای بررسی این رابطه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معنی‌داری ( $0/000$ ) به دست آمده نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است؛ یعنی میزان احساس تعلق اجتماعی به عنوان متغیری مستقل بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز تأثیرگذار است؛ و نیز با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون ( $0/466$ ) می‌توان گفت که بین احساس تعلق اجتماعی با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز همبستگی مثبت و در حد متوسط وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان ساکن شهر تبریز بیش تر شود، متعاقباً تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

در تحقیق حاضر ضریب نهایی رگرسیون چند متغیره  $0/76$  بوده که مجذور آن یعنی ضریب تعیین، میزان  $0/573$  بیانگر درصد تغییرات تبیین شده توسط متغیرهای وارد در معادله است. لازم به ذکر است ضریب تبیین اصلاح شده  $0/568$  بوده و می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که درصد واقعی اصلاح شده و خالص میزان تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای وابسته  $57$  درصد است. در واقع، ما در تحقیق حاضر، توانسته‌ایم  $57$  درصد از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز را با معرفی و تبیین متغیرهای این پژوهش کنترل کنیم و  $43$  درصد از عوامل خارج از قلمرو این تحقیق است که باید در تحقیقات دیگر مورد بررسی قرار گیرد. طبق مدل به دست آمده تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی،

بیش از هر متغیر دیگری از متغیر امنیت اجتماعی (به عنوان اولین عامل)، متأثر است. دومین عامل که نقش بسیار مهمی در پیش‌بینی میزان تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان تبریزی ایفا می‌کند، اعتماد اجتماعی است. احساس بی‌هنجاری اجتماعی سومین عاملی است که بیش‌ترین سهم را در میزان تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی دارد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده ملاحظه می‌گردد که متغیر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز متأثر از عوامل بسیاری است که در تحقیق حاضر، رابطه اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، بی‌هنجاری اجتماعی، بی‌قدرتی اجتماعی، تعلق اجتماعی، جنسیت، وضعیت سنی، وضعیت شغلی و تحصیلی به‌عنوان متغیرهای مستقل با تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان تبریز به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفتند در تحقیق حاضر با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) رابطه به‌دست‌آمده بین متغیرهای مستقل و وابسته را با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان از نمونه آماری به جامعه آماری تعمیم داد. البته باید اشاره کرد که در مدل نهایی متغیرهای باقی‌مانده در تحقیق عبارت بودند از احساس بی‌قدرتی و احساس تعلق اجتماعی که این دو عامل به‌عنوان عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان ساکن شهر تبریز بودند.

#### منابع

- آبوت و والاس، کلر. (۱۳۷۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی، نگرش‌های فمینیستی، تهران: دنیای مادر.
- آرن، هانا. (۱۳۵۹). خشونت. ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، تهران.
- امام جمعه‌زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمود؛ برزگر قاضی، کمال و صادقی نقدعلی، زهرا. (۱۳۹۲). رابطه میان دینداری و رفتار انتخاباتی، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، بهار و تابستان، شماره ۸.
- امینی، علی‌اکبر و خسروی، محمدعلی. (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۲۷-۱۴۲.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نی.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پاشازاده آذری، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد رودهن، مجله پژوهش اجتماعی، تابستان ۸۹، شماره ۷، صص ۷۳-۹۶.
- پالیزبان، محسن. (۱۳۹۰). بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، تابستان، شماره ۲، ۴۹-۳۳.



## فرآیند تصمیم‌گیری در رفتار سیاسی شهروندان شهر تبریز و علل اجتماعی آن

- حیدری، داوود. (۱۳۸۷). «آشنایی با چند مفهوم اساسی در حوزه سیاست»، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۳۹، صص ۱۲-۲۱.
- دو ورژه موریس. (۱۳۶۹). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی ابوالفضل قاضی، تهران: دانشگاه تهران.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۶). درآمدی بر جامعه. ترجمه‌ی حسین بهروان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- زاهدی، محمد جواد و اجاقلو، سجاد. (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، زمستان، شماره ۴، صص ۹۵-۱۲۵.
- زنجانی‌زاده، هما. (۱۳۶۹). زن و توسعه در جهان سوم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، شماره اول و دوم سال ۲۳.
- سینیایی، وحید. (۱۳۹۲). پژوهش‌های علم سیاست و فرآیند تصمیم‌گیری در ایران، آسیب‌شناسی و روش پیوند، از مجموعه مقالات همایش وضعیت پژوهش در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، تهران.
- صمدی‌راد، انور. (۱۳۸۵). مکانیسم‌های ارتقاء مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۱.
- عبدالله‌خانی، علی و جوادی، سارا. (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی امنیت ملی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار ایران، جلد اول.
- عبدی، عباس. (۱۳۷۲). افراط و تفریط در سیاست، روزنامه سلام.
- غفاری هنجین، زاهد؛ بیگی‌نیا، عبدالرضا و تصمیم‌قطعی، اکرم. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران، دانش سیاسی، سال ششم، پاییز و زمستان، شماره دوم، ۲۴۰-۲۰۷.
- کفاشی، مجید؛ نوابخش، مهرداد؛ پاشازاده آذری، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سالتحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، فصلنامه پژوهش اجتماعی، تابستان، سال سوم، شماره ۷.
- گلابی، فاطمه و حاجیلو، فتانه. (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره ۱، صص ۲۰۰-۱۷۳.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ اول ۱۳۷۳. ص ۲۹۶.
- لیپست، مارتین و دوز، رابرت. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی محمدحسین فرجاد، تهران: نشر توس.

- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی، نامه پژوهش، شماره ۱.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۴). ابعاد رفتار شناسی سیاسی، گزارش اسفند ۱۳۸۴ و فروردین ۱۳۸۵ شماره ۱۷۲ و ۱۷۳.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۳). موانع مشارکت مدنی زنان در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۲، صص ۱۳۰-۹۳.
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۰). نبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی، مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۸-۱۶۷.
- میلبرث، لستر و گوئل، لیل. (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، ترجمه‌ی رحیم ابو الحسنی، تهران: نشر میزان.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۵۷). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علم.

- Sanders, D. (1891). patterns of political instability. London Macmillan press.
- Gaiser, Wolfgang & Rijike, John. (2008). Political Participation of Youth Young Germans in the Eropean Context”, Asia Eroup journal, Springer, January, Vol.5.
- Collinz, Alan. (2002). Burma’s Civil War: A Case of Societal Security, Civil Wars Journal, Vol. 5, No. 4, p.p. 119-134.
- Huntington.S & J. M Nelson. (1976). Political Participation in Developing Countries Cambridge, Harvard University Press.
- Millbrath, L. (1981). political participation, Hand book of political behavoir, vol. 4, (ed), s. long, (new york: plenum press, p. 201.
- Paterson,L. (2008). Political attitudes,social participation and social mobility: alongitudinal analysis, The Biritish journal of sociology,vol:14.59.